

اشاره

با تغییرات مدیریتی و ساختاری در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و ابلاغ «نقشه کلی طرح تحول نشریه‌های رشد»، در دوره جدید انتشار مجله موظف شدیم محتوایی همسو با سند تحول، و برنامه درسی ملی و سایر اسناد پشتیبان تولید کنیم؛ لذا برآنیم که در هر شماره نظرات یکی از مدیران، کارشناسان سیاست‌گذار و برنامه‌ریز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را، به‌عنوان تأثیرگذارترین کانون هدایت محتوایی «تغییر بنیادین تحول نظام تعلیم و تربیت» و مجری «طرح همسوسازی برنامه‌ریزی با برنامه درسی ملی»، زیر سه سرفصل بررسی کاستی‌ها، بیان بایستگی‌ها، و بررسی راه‌های برون‌رفت ارائه کنیم. در گام نخست، آقای دکتر ذوعلم، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به سؤالات ما در این زمینه پاسخ می‌دهند. در ادامه گفت‌وگوی صمیمی ما را با ایشان بخوانید.

نقش نشریات رشد، پشتیبانی منطقی و نقد برنامه‌های درسی است

متن مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر ذوعلم،
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

عطاران: خیلی تشکر می‌کنیم از اینکه دعوت ما را برای این مصاحبه پذیرفتید. نسخه‌ای از مجلد سالانه مجله را خدمت شما آورده‌ایم. همان طوری که مستحضرید، در هر سال سه شماره از فصل‌نامه ما منتشر می‌شود. در این نشریه سعی می‌کنیم، در عین حال که رابطی بین همه بخش‌های ستادی و اجرایی دوره‌های تحصیلی باشیم، «گرایش به آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش» را در دنیای تحصیل بالا ببریم. در همین زمینه یک بررسی تحلیلی روی محتوای نشریه در سال تحصیلی گذشته، توسط «دانشگاه اصفهان» انجام شد و نظر ما را تأیید کرد که بیشتر محتوای مجله‌مان ایجاد انگیزش می‌کند. به اتفاق برخی از اعضای هیئت تحریریه خدمت رسیده‌ایم تا نظرات اختصاصی شما را در دوره جدید نشریات رشد جویا شویم و ببینیم در فصل آینده و سال‌های پیش‌رو «برای توسعه آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش»، چه کار باید و می‌توانیم انجام دهیم.

دوعلیم: خیلی خوش‌آمدید. نقش مجلات رشد واقعاً همین است که به‌طور منطقی از برنامه درسی پشتیبانی کنند و به تعبیری، منطق پشتیبان برنامه‌های درسی را برای مخاطبان خودشان تبیین کنند. چون با تبیین این منطق پشتیبان، برای همه مدیران، کارشناسان، مؤلفان، دبیران و هنرآموزان مشخص می‌شود که به‌دنبال چه هدفی باید باشند و اقداماتشان حول یک محور واحد همسو شود. واقعیت این است که بعد از تدوین و تصویب برنامه درسی ملی، ما چرخشی اساسی در هدف‌های آموزش و پرورش پیدا کردیم. این چرخش اساسی یک جنبه بسیار مهمش این بود که «کار و عمل» را در کنار «علم و معرفت» قرار داد و این‌ها را هم‌عرض هم تعریف کرد. این چرخش بسیار مهمی بود و برخلاف تلقی‌هایی که قبلاً وجود داشتند و فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش را امری حاشیه‌ای و ثانوی تلقی می‌کردند و از نظر اهمیت در سطح آموزش‌های نظری نمی‌دانستند، الگوی اهداف برنامه درسی ملی کاملاً این تلقی را تغییر داد و در کنار سه عنصر اساسی تعقل، ایمان و اخلاق، عمل و علم را هم‌عرض هم تلقی کرد. به گمان بنده، مهم‌ترین رسالتی که

ما در تبیین منطق پشتیبان رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش داریم، همین است که ارزش کار و تقدس کار و تأثیر این عنصر در عینیت زندگی جامعه بشری به‌خوبی جا بیفتد و روشن بشود. به خصوص امسال که «سال رونق تولید» نام گرفته است، بدون اینکه ما یک رونق اندیشه‌ای و نگرشی درباره تولید داشته باشیم و بدون آنکه مهارت‌های تولید در دانش‌آموزان و هنرآموزان ما افزایش پیدا کند، زیرساخت‌های تولید خیلی شکل نخواهند گرفت. می‌خواهم عرض کنم که زیرساخت نظری و فرهنگی رونق تولید در این است که رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش ارزشمند شمرده شوند. به اعتقاد بنده، رشته‌های کاردانش حتی بیش از فنی‌و حرفه‌ای ارزشمندند، چرا که از اول افراد به بازار کار می‌آیند و به بازار واقعی کار وارد می‌شوند و آموزش‌ها کاملاً عینی، ملموس، کارآمد و کاربردی هستند.

ما دچار یک نگرش غلط تاریخی بودیم که بین رشته‌های نظری، فنی‌و حرفه‌ای، و کاردانش غالباً ترجیح را به دوره نظری می‌دادیم. این چرخش، چرخش بسیار مهمی است و امیدوارم تحولات ساختاری و برنامه‌ریزی‌هایی که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در حال انجام است، بتواند زمینه‌ساز همین قضیه هم باشد. اگر تا قبل از این تصور می‌شد که رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش فقط با «حوزه تربیت کار و فناوری» مرتبط‌اند، امروز ما حداقل می‌دانیم که با شش یا هفت حوزه یادگیری ارتباط مستقیم دارند. یعنی حوزه‌های فرهنگ و هنر، کار و فناوری، ریاضی، بهداشت و سلامت، خانواده و سبک زندگی، با رشته‌ها و گرایش‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش کاملاً مرتبط‌اند. امیدوارم که ان‌شاءالله این بهبود حاصل شود و واقعاً بتوانیم این نیاز بسیار جدی کشور را تأمین کنیم. کاری که امروز شما دارید انجام می‌دهید، نتیجه‌اش سال‌ها بعد و در عمل خودش را نشان خواهد داد. هر مقدار ما امروز بتوانیم بذری خوب بپاشیم، در آینده بهتر آن را درو خواهیم کرد. همین‌جا لازم است من از تلاش دوستانمان در چند سال گذشته که دوره همسوسازی برنامه‌ریزی با برنامه درسی ملی بوده است، تشکر و تقدیر کنیم. حجم سنگینی از کار را دوستان انجام دادند هم در فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش، و هم در دفتر تألیف نظری. به خصوص در اینجا لازم است از جناب آقای مهندس دوراندیش

**زیرساخت نظری
و فرهنگی رونق
تولید در این است
که رشته‌های
فنی‌و حرفه‌ای و
کاردانش ارزشمند
شمرده شوند**

**به اعتقاد بنده،
رشته‌های کاردانش
حتی بیش از
فنی‌و حرفه‌ای
ارزشمندند، چرا
که از اول افراد به
بازار کار می‌آیند
و به بازار واقعی
کار وارد می‌شوند
و آموزش‌ها کاملاً
عینی، ملموس،
کارآمد و کاربردی
هستند**

نمی‌دانم برای بازدید تشریف بردید یا نه، امروزه همه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در زمینه تولید و عرضه محصول فعال شده‌اند و تولیداتی که الان بچه‌های کاردانش دارند، در کنار مهارت آموزشی، خیلی تولیدات جالب و قابل رقابت و عرضه به بازار دارند. حالا ما سعی می‌کنیم که ان شاء الله پیرو فرمایش شما، در هر شماره بخشی از این توانمندی‌ها را معرفی کنیم.

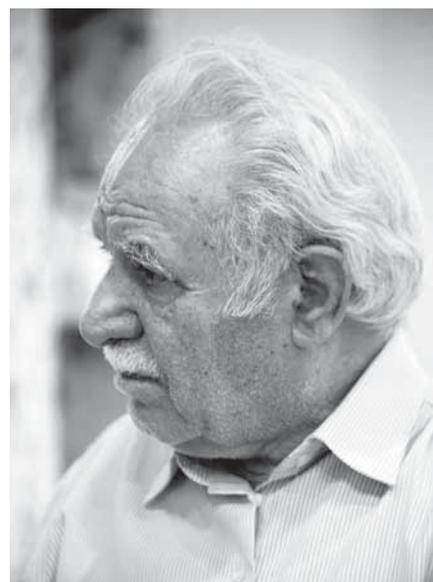
ع ذوعلم: بله، ان شاء الله. بین ما و کشورهای غربی یک تفاوت اساسی در مبانی نظری تحول هست که کمتر به آن توجه شده است. در حقیقت در دوره جدید و در نظام سرمایه‌داری، عنصر کارگر و تکنسین ابزار تولیدند؛ صرفاً ابزاری هستند برای پرتر کردن جیب سرمایه‌داران. در نگاه ما این طور نیست. در نگاه ما کار خودش یک مقوله بسیار معنایی و قدسی است. در واقع کارگر انسان شریفی است که در کنار مبنای اخلاقی، عقلانی و اعتقادی، به کار به‌عنوان یک فرصت الهی نگاه می‌کند، نه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای تولید ثروت. تعبیر بسیار شریفی استاد شهید مطهری (ره) دارند که کمتر به آن توجه شده است. ایشان مطرح می‌کنند که عنصر کار، اصلاً عنصری اخلاقی است. یعنی خود کار کردن امری اخلاقی است. چگونه مثلاً ما می‌گوییم صداقت داشتن و وفای به‌عهد، موضوع‌هایی اخلاقی‌اند، کار کردن هم امری اخلاقی است. بنابراین کار کردن فقط برای نیاز مادی نیست. یعنی اگر کسی نیاز مادی هم نداشته باشد، از نگاه اسلام باز هم اگر کار کند، شرافتمند و دارای کرامت خواهد بود. خب این واقعاً خیلی مهم است.

متأسفانه نگاه‌های غربی نظام سرمایه‌داری به اعماق ذهن جامعه ما رسوخ و نفوذ پیدا کرده و این بحث نفوذ فرهنگی و هجمه فرهنگی یک بعدش واقعاً همین است. یعنی اینکه توانسته ارزش‌های ما را جابه‌جا کند. توانسته آنچه را ارزشمند بوده است، کم‌ارزش کند و ما در مدتی که با دوستان، همکاران و کارشناسان گفت‌وگو داریم، به آن‌ها عرض می‌کنیم، حتی رشته‌های نظری هم، آن زمانی ارزشمندند که به یک ثمره عملی بینجامند. و الا دانستن برای دانستن که ارزش ندارد.

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیثشان، جایی این بحث را مطرح می‌کنند

اسم ببرم. ایشان زحمات زیادی کشیدند و الان به‌عنوان «مشاور نوآوری و فناوری» در سازمان از ایشان استفاده زیادی می‌کنیم. یعنی گذشتگان کارهای خیلی خوبی انجام داده‌اند. اما هر مقدار کار انجام بدهیم، کافی نیست. هم نیاز جامعه ما، هم ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی و بالاخره مادی که ما داریم، و هم آن هوش و توانمندی و استعدادی که واقعاً هنرجویان ما دارند، دغدغه‌ای که هنرآموزان ما دارند، این‌ها اقتضا می‌کند که ما هر چه بیشتر تلاش کنیم و این زمینه‌ها را فراهم کنیم، ان شاء الله.

ع بخشوده: آقای دکتر ببخشید، چند سال پیش، مقاله‌ای درباره آمایش سرزمین در نشریه ما ارائه شده بود. وقتی مسئولان یک هنرستان کشاورزی در استان سمنان این مقاله را خواندند، تشکر کردند و در زمینه «آمایش سرزمین» و «آمایش آموزشی» خیلی جدی کار کردند. الان آن هنرستان در زمینه تولید گیاهان دارویی، گل‌گاوزبان، بابونه و خیلی چیزهای دیگر، مانند گاوداری، پرورش زنبور عسل، باغداری میوه، صیفی، سبزی و مانند آن فعالیت آموزشی و تولیدی دارد. آن‌ها علاوه بر تأمین نیاز خودشان، مازاد محصول خود را هم می‌فروشند و برای هنرستان درآمد کسب می‌کنند. این‌که فرمودید «هر مقدار ما امروز بتوانیم بدر خوب بپاشیم، در آینده بهتر آن را درو خواهیم کرد.» واقعاً همین‌طور است. ما در این زمینه باید گام‌های مؤثرتری برداریم و در کنار آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و مهارت‌آموزی، به شعار رونق تولید نیز کمک کنیم. ما به این موضوع معتقدیم و با عشق به دنبال کمک به توسعه کشور از طریق کارآمد کردن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش هستیم. با همین رویکرد بود که به اتفاق آقای دادار به استان‌های زیادی سرکشی کردیم و در هر شماره ابتکارات هنرآموزان، مدیران هنرستان فنی و حرفه‌ای و کاردانش نمونه را در نشریه منعکس کردیم.



علی محمد بخشوده، مدیر داخلی مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش

خیلی از عرصه‌ها هستند که در آنجا کار دانش می‌تواند مشکل را حل کند



نصرت‌الله دادار، خبرنگار مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش

اولاً، از نظر تجهیزات هنرستانی دچار کمبود هستیم؛ ثانیاً، فضاهای آموزشی که باید آماده و تجهیز شوند، در واقع لازم است رغبت برانگیز و انگیزه‌بخشی باشند. روی این موضوع هم کم‌کاری کرده‌ایم؛ ثالثاً، ارتباط ما با بازار کار در واقعیت آن‌چنان که باید برقرار نشده است. خیلی از عرصه‌ها هستند که در آنجا کار دانش می‌تواند مشکل را حل کند. چندی قبل یکی از معاونان وزیر بهداشت می‌گفت که ما مثلاً چند هزار پرستار کم داریم. خوب واقعاً در سلسله مراتب شغل پرستاری ما نیاز نیست که حتماً هم همه فوق‌دیپلم و لیسانس داشته باشند. یک دوره مهارتی کارآمد برای بعد از دوره اول متوسطه هم می‌تواند این‌ها را به بازار کار بکشاند. رشته‌های کار دانش را در این جهت خیلی می‌توان توسعه داد. حتی در بخش خدمات فرهنگی، خدمات هنری یا خدمات مذهبی می‌توان رشته‌های کار دانش تعریف کرد. هر مقداری که ما بتوانیم رشته‌های کار دانش را البته با دو ملاحظه توسعه بدهیم، جا دارد:

ملاحظه اول این است که مشارکت آن بخش را که به‌کارگیرنده است، در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار دهیم

ملاحظه دوم، ملاحظات تربیتی در برنامه‌ی درسی است. یعنی ما باید این دو را دوشادوش هم ببینیم. ولی گاهی متأسفانه در رشته‌های کار دانش یکی از این دو جنبه بر دیگری می‌خواهد غلبه کند. چنین عدم توازنی آسیب وارد می‌کند. فرض بر این است که تا پایان دوره اول متوسطه، ما نگرش‌ها، مهارت‌ها و آموزش‌های اساسی را به دانش‌آموزان ارائه کرده‌ایم. نه سال است و نه سال کم نیست. اگر ما بتوانیم این دوره نه ساله را به‌گونه‌ای غنی، با استفاده از نیروی آموزگار و دبیر ماهر و توانمند، در محیط آموزشی جذاب و شوق‌برانگیز، ارائه کنیم، نه سال در هویت‌سازی اصل دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد.

در نتیجه، دوره دوم متوسطه می‌شود دوره آمادگی یا برای بازار کار به‌طور تخصصی یا نیمه‌ماهر، و یا برای دانشگاه، حوزه علمی یا مراکز علمی و پژوهشی و از این قبیل. آنجا دیگر، ما باید نیاز جامعه را واقعاً در نظر بگیریم. علت اینکه کنکور این قدر پرطرفدار است و رقابت‌های گاهی بسیار سنگینی وجود دارند، همین است که توازن دیده نشده است. یعنی نیاز جامعه دیده نشده و بیشتر تمایل دانش‌آموزان دیده شده است. رسیدن به نقطه بهینه تلاقی «نیاز جامعه» و «تمایل دانش‌آموز» بسیار اهمیت دارد.

که هیچ دانشی نیست که از نظر اسلام ارزشمند باشد، مگر اینکه آن دانش ثمره عملی داشته باشد. به نظرم روی این نگاه خیلی باید کار کنیم و این جایگاه را باید احیا کرد. خوش‌بختانه مبانی نظری تحول و مبانی نظری برنامه درسی ملی فرصت بسیار خوبی برای ما ایجاد کرده‌اند. همچنین، ما باید روی درصد ورودی دانش‌آموزان کار کنیم تا ورودی به هنرستان‌ها و کار دانش افزایش پیدا کند. خوب این افزایش با الزام و اجبار که نمی‌شود. قاعدتاً باید علاقه‌مندی ایجاد شود. نگرش خانواده‌ها باید اصلاح بشود. مشاورانی که به دانش‌آموزان در پایان دوره متوسطه اول مشورت می‌دهند، باید به این کار اعتقاد داشته باشند. گاهی می‌بینیم، همان کسی که دارد مشاوره می‌دهد، در واقع هیچ اعتقادی به عرصه کار و فناوری و حرفه‌وفن ندارد. این‌ها آسیب‌های ما هستند. ان‌شاءالله باید این آسیب‌ها برطرف شوند و بتوانیم رشد بیشتری در این رشته‌ها داشته باشیم؛ ان‌شاءالله

© دادار: آقای دکتر ببخشید، تحلیل خود شما از وضع موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در کشور چیست؟

© عطاران: ببخشید، من سؤال ایشان را کمی کامل‌تر کنم. همین دو سه روز پیش خبری روی تارنما آمده بود که مشکل سازمان الان دوره‌های تحصیلی فنی و حرفه‌ای، کار دانش و نظری است، نه حوزه‌های یادگیری. با تأکید گفته بودند که الان درجه اهمیت حوزه‌های یادگیری کمتر از دوره‌های تحصیلی است. می‌خواستیم ببینیم نظر شما در این باره چیست؟

© ذوعلم: تلاش‌هایی که انجام شده‌اند، تلاش‌های خیلی خوبی بوده‌اند؛ هم در دفتر فنی و حرفه‌ای و کار دانش معاونت متوسطه و هم در دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای در خود سازمان. به علاوه، رهبر معظم انقلاب بارها به توسعه فنی و حرفه‌ای توجه نشان داده‌اند. خود رئیس‌جمهور محترم هم بارها مطرح کرده‌اند که توجهات مفید بوده‌اند، اما هنوز روی فنی و حرفه‌ای و کار دانش در عمل آن‌چنان که باید سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم.

این نقطه را ما باید به سمت مطلوب سوق بدهیم. ما که می‌گوییم، یعنی رسانه ملی، مطبوعات، مراکز فرهنگی و علمی، و مبلغان دینی. خود محیط پرورشی و فرهنگی مدارس ما باید این کار را انجام بدهد. از این نظر، توجه کلان به دوره‌های تحصیلی برای ما اهمیت پیدا می‌کند. یعنی حتماً جایی باید روی نگاه کل‌نگرمان به دوره متوسطه اول، کار کند و به کارشناسی و آسیب‌شناسی آن بپردازد.

در حال حاضر، جهت‌گیری اصلی دوره اول متوسطه ما به سمت رشته‌های نظری است، نه شاخه فنی و حرفه‌ای و کاردانش. این موضوع باید تعدیل شود. باید بچه‌ها را به کار و مهارت، و ورود به محیط کارگاه و کشاورزی تشویق کنیم. این‌ها واقعاً باید ارزشمند تلقی شوند. همچنین کلان‌نگری در دوره هنرستان ما ضعیف است. چون هر کدام از این رشته‌ها و شاخه‌های ما از نظر زمان، روش، محتوای آموزشی، منابع و از نظر ترکیب ابزارهای یاددهی - یادگیری واقعاً اقتضای خاص خودش را دارد. تا الان ما جایی نداشته‌ایم که بینیم این‌ها را به‌طور کارشناسی و کل‌نگر رصد کرده باشد و کف هنرستان و کف دبیرستان را دیده باشد. بنابراین این دوره‌ها برای ما از این نظر بسیار اهمیت دارند، ولی البته به این معنی نیست که حوزه‌های تربیتی کم‌اهمیت باشند.

نقش اصلی حوزه‌های تربیت در واقع این است که پشتوانه علمی، فکری و محتوایی ما باشند. یعنی مرزهای دانش، مرزهای فناوری و آینده این‌ها را بررسی و رصد کنند و بتوانند دانش و مهارت مفید و زنده را به دانش‌آموزان و هنرجویان ما انتقال دهند؛ نه دانش مرده و نه مهارت به درد نخور. این کار، کار حوزه‌های تربیت و یادگیری است. تعبیری که بنده دارم. این است که ما در سازمان پژوهش، این دو مقوله را، یعنی آن هسته‌های کارشناسی برنامه‌ریزی، طراحی و تولید دوره‌های تحصیلی را از طرفی، و از طرف دیگر، حوزه‌های تربیت و یادگیری را دو بال سازمان ببینیم که این‌ها باید هم‌تا و هماهنگ با هم حرکت کنند و زمینه مشارکت بخش غیردولتی، مجموعه‌های فرهیخته و صاحب‌نظران دانشگاه، پژوهشگاه، مؤسسات اقتصادی، و حوزه‌های علمیه را هر کدام متناسب با آن شاخه خودشان، در تولید مواد و رسانه‌ها فراهم آورند.

آقای حسین زاده یادش هست، از آن زمانی که ما در کمیته مواد و رسانه‌های تولید سند برنامه درسی

ملی کار می‌کردیم. دغدغه اصلی‌مان همین بود که ما در حال حاضر در مقوله ابزارها و حامل‌های یادگیری دچار نوعی تحجر، انجماد و ایستایی شده‌ایم. بسیار مهم است که این حامل‌های یادگیری، موقعیت‌های متفاوت یادگیری، بسته یادگیری و بسته آموزشی باز تعریف شوند و خوش‌بختانه دوستان در این زمینه کارهای خیلی خوبی انجام داده‌اند و راهبردهایی که در برنامه‌ریزی درسی ملی آمده‌اند، راهبردهای بسیار خوبی بوده‌اند. البته در نگارش چهارم این راهبردها خیلی به تفصیل مطرح شده بودند، ولی وقتی به شورای عالی رفت، به خاطر اینکه باید تلخیص می‌شد و کمی ترکیبش تغییر پیدا می‌کرد، مقداری خلاصه شد. با این حال، به نظر من همان خروجی شورای عالی آموزش و پرورش هم، به‌عنوان برنامه درسی ملی مصوب، برای ما راهنمای بسیار خوبی است.

در حال حاضر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باید بتواند در صدد اجرای کامل برنامه درسی ملی برآید و همه جوانب به‌گونه متوازن و متناسب با نیازهای جامعه، متناسب با تجربه‌ای که ما در کشور خودمان داریم و تجربه‌هایی که دیگران دارند، در نظر گرفته شوند. البته تأکید می‌کنم، مبتنی بر برنامه‌ها و مبانی نظری خودمان. یعنی ما مبانی نظری خودمان را به هیچ‌وجه نباید از دست بدهیم یا فراموش کنیم و همین مبانی نظری ماست که زاینده است، پویایی دارد و ما را حتی می‌تواند نسبت به کشورهای دیگر، واقعاً پیش ببرد؛ به‌ویژه با آن نگاه‌های عمیقی که در الگوهای اسلامی و بومی ما وجود دارند.

عظاران: همه این مشکلات، واقعاً به صورت نظری شناخته شده‌اند، ولی وقتی پای عمل می‌رسد، می‌روند کار دیگری انجام می‌دهند. الان با اینکه شما فرمودید در رشته پرستاری یا برخی رشته‌های دیگر نیاز وجود دارد، ما در بعضی از حوزه‌ها خیلی موفق عمل کرده‌ایم. مثلاً حوزه یادگیری صنایع چوب و کابینت‌سازی‌مان خیلی پیشرفت کرده است یا رشته‌های مکانیک یا دریانوردی خیلی پیشرفت داشته‌اند. ولی در بعضی از حوزه‌ها یک‌دفعه می‌آیند مقابل آن، کار دیگری انجام می‌دهند که آدم تعجب می‌کند. مثلاً «طرح دارکوب» که دارد

ما در حال حاضر در مقوله ابزارها و حامل‌های یادگیری دچار نوعی تحجر، انجماد، یک نوع ایستایی، شده‌ایم

باید سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی و درسی را ما تعیین کنیم و توسعه رشته‌ها را به خود مناطق آموزشی و هنرستان‌ها بسپاریم

اگر متناسب با استانداردها و نیازهایی که دیگران دارند، ما نیرو تربیت کنیم، طبیعتاً اینجا بازار کار نخواهند داشت

انجام داد، گفت‌وگوی توجیهی، ارتباط و کار جمعی است. یعنی باید سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی و درسی را ما تعیین کنیم و توسعه رشته‌ها را به خود مناطق آموزشی و هنرستان‌ها بسپاریم. بالاخره مسلم است، همه به پیشرفت و استقلال اقتصادی کشور و به اینکه بچه‌ها بالاخره به جایی برسند و بتوانند مفید باشند، علاقه دارند. در روش ممکن است که تشخیص‌ها متفاوت باشند، یا در همکاری‌ها ممکن است خدای ناکرده نوعی تعصب سازمانی و تعصب شغلی و صنفی مانع بشود، اما باید فرهنگ‌سازی کرد و پیشقدم شد. ما فکر کردیم و گفتیم که درهای سازمان باید باز باشند. جماعات و گروه‌های مختلفی که می‌توانند کمک کنند، واقعاً به کار ما وارد شوند. یعنی باید همه با هم حرکت کنیم، تا ان شاءالله با خطای کمتری برنامه‌های توسعه کشور را به سرانجام برسانیم.

البته نکته مهم بحث نیاز است. امروز اگر ما نیاز را در نظر بگیریم و یک جماعت کثیری از هنرجویانمان را مثلاً به طرف رشته‌ای سوق بدهیم، بعد داخل کشور بازار کار نداشته باشند، خود به خود به این معناست که ما آن را برای جای دیگری تربیت کرده‌ایم. یا اگر متناسب با استانداردها و نیازهایی که دیگران دارند، ما نیرو تربیت کنیم، طبیعتاً اینجا بازار کار نخواهند داشت. بالاخره نگاه بومی، نگاه ایرانی و نگاه ملی نکته بسیار بسیار مهمی است. باید تلاش کنیم. ان شاءالله

پیاده می‌شود، با اینکه شما فرمودید ما مشکل تجهیزات و عدم ارتباط با بازار کار داریم، در قالب این طرح گفته‌اند که می‌خواهیم تا پایان سال ۱۳۹۹ یک میلیون دانش‌آموز برنامه‌نویس رایانه تحویل جامعه بدهیم که می‌توانند در زمینه رونق «استارت‌آپ‌ها» کار کنند. وقتی برای جذب فارغ‌التحصیلان در بازار کار برنامه روشنی نباشد، این بچه‌ها برای نظام آموزشی و بازار کار خارج از کشور تربیت خواهند شد. شما می‌دانید که بچه‌های کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای ما در خارج از کشور خیلی راحت جذب می‌شوند. اکثر مهاجران کسانی هستند که بالاخره یک مدرک فنی‌وحرفه‌ای یا کاردانش از جایی برای خودشان جور کرده‌اند. می‌خواستیم ببینیم این برنامه‌ها را چگونه توجیه می‌کنید؟

دو علم: بنده معتقدم، اگر که ما به عنوان سازمان پژوهش، بگوییم که شمایی که می‌خواهید بهره‌برداری کنید، شمایی که می‌خواهید به کار بگیرید. هیچ مداخله‌ای نکنید، ما برای شما برنامه‌ریزی می‌کنیم، این اولین قدم جدایی است. خود آن‌ها را باید بیاوریم و کارگروه مشترک تشکیل بدهیم. البته جای اصلی این نوع تصمیم‌گیری‌ها، همان مدرسه و منطقه است. ولی کاری که می‌شود



مهارت نیاز دارد، چرا از کمک‌های هنرآموزان، حتی هنرجویان بی‌بهره بماند؟ چرا این پیوندها و همکاری‌ها بین مدارس و معلمان مشاهده نمی‌شوند؟

به نظر می‌رسد که مقدری الگوی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در چارچوب روابط و وظایف سازمان رسمی محدود شده است. یعنی حتی کسانی که در ستاد، در سطح یک اداره کل، یا در مدرسه‌های مجاور کار می‌کنند، با هم ارتباط ندارند. ببینید فضاهایی که الان در شبکه‌های اجتماعی داریم، این ضرورت، توان و نیاز را به ما نشان می‌دهند، ولی چرا ما هنوز در چارچوب‌های سازمانی غرق هستیم؟ هر چند که آنچه ما از گذشته تا امروز در نظام آموزشی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش داشته‌ایم، واقعا با ارزش بوده‌اند، ولی یک‌طرفه، از بالا به پایین و کانالیزه شده بوده‌اند. مسلماً نقدهایی هم باید مطرح بشوند، چون ما داریم در مسیر تازه‌ای قرار می‌گیریم و نمی‌خواهیم ده یا بیست سال بعد بگوییم اشتباه شده است و ما راه دیگری باید می‌رفتیم. به نظر می‌رسد مثلاً تعداد زیادی از این هنرستان‌های ما هنوز هم داخل همان حصارهای بلند هستند. چطور اولیا و دانش‌آموزان باور کنند پشت این حصارها، برنامه‌های جدید و نو سازی شده جریان دارند؟

هنوز مرزهای ما از بیرون هنرستان یا مراکز کاردانش، برای جامعه، همان مدارس با شکل و شمایل پنجاه سال پیش هستند. چطور باور کنند که تغییرات زیادی درون حوزه نظری، معرفتی و حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش اتفاق افتاده‌اند؟ حداقل این مرزها باید در سطح تبادل اطلاعات و تجربه بین سازمان، مدارس، معلمان و جامعه شکسته شوند و بسیار درست فرمودید که یک راه میانبر همین برقراری جلسات گفت‌و شنود، تبادل نظر و ارتباط است که بسیار کمک می‌کنند.

من این توضیح و ابهامات را خدمت شما ارائه

ع حسین‌زاده: ما در واقع سه حوزه دارای مرز داریم: «حوزه ستادی» که در آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کنند، «حوزه اجتماع» که تابع تحولات خودش است و مدرسه. تاکنون شاهد بوده‌ایم همه آنچه از بالا ابلاغ می‌شود، یک‌طرفه است و با آنچه در پایین جریان دارد، بسیار تفاوت دارد. شما ببینید در حوزه مدرسه، سه نهاد داریم که یک کار و مأموریت واحدی دارند؛ مدرسه نظری دانش‌آموز را برای جامعه تربیت می‌کند و کاردانش و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای هم همین کار را می‌کنند. این‌ها دارای مرزهای بسته‌اند. چرا بسته‌اند؟ برای اینکه همه تابع کانال‌هایی هستند که از بالا هدایت می‌شوند و در چارچوب سیاست‌ها، برنامه‌ها و کتاب‌ها به وظایف خاص خودشان عمل می‌کنند. ولی حضرت عالی مستحضر هستید که حجم زیادی از توانمندی انسان حاصل دانشی است که ضمن کار و تلاش به دست می‌آیند. یعنی معلمی که درس می‌دهد، دانشی تولید می‌کند. این دانش ضمنی کجاست؟ دانش آموزی که درس می‌خواند، مهارتی کسب می‌کند یا تولیدی دارد، اولیایی که دغدغه دارند و دیالوگ‌هایی که در پایین در جریان هستند، کجا باید منعکس شوند؟

البته ما تقریباً از دو سه سال قبل در هر شماره نشریه، وارد یک هنرستان می‌شویم و حرف‌های آن‌ها را منعکس می‌کنیم. ولی به نظر می‌رسد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش زمانی می‌تواند از شعار مهم بودن، به عرصه عمل وارد شود و برای توسعه آینده کشور نقش‌آفرینی کند که این مرزهای سازمانی بین مدرسه‌های ابتدایی، متوسطه‌های اول و دوم نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش را برداریم. وقتی که استادکار کاردانش چیزی تولید می‌کند، چرا یک هنرآموز هنرستان با او ارتباط نداشته باشد؟ یا اگر دبیرستان نظری در ساعات فوق برنامه به آموزش



غلامحسین حسین‌زاده یوسفی، عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش

کردم که این سؤال را مطرح کنم: حضرت عالی، چقدر با نقد در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش موافقید؟

دو علم: نظام‌های رسمی و عمومی اقتضائاتی دارند که این اقتضائات به هر حال وجود دارند. یعنی در یک آموزش و پرورش گسترده که بیش از چهارده میلیون دانش‌آموز و هنرجو، و حدود نهصد هزار نفر کادر دارد، قطعاً باید مرزها و قواعدی وجود داشته باشند. با این حال، ما باید بین این مجموعه‌ها ارتباط ایجاد کنیم و به برنامه‌ریزی سیال و انعطاف‌پذیر بپردازیم. ما به این راهبردها معتقدیم. خوش‌بختانه در برنامه‌داری ملی مبنای نظری این موضوع مطرح شده‌اند و خود این، مبنای رویکرد ماست. یعنی رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی چنین ارتباطی را اقتضا می‌کند.

درواقع، یکی از دلالت‌های رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی همین است که هر انسانی دارای توانمندی بالقوه‌ای برای برنامه‌ریزی، مدیریت و تربیت کردن است. مهم این است که ما زمینه‌ها را فراهم کنیم، به او اعتماد کنیم و متناسب با آن به او اختیارات بدهیم و بعد از او مسئولیت هم بخواهیم. چون بالاخره خانواده‌ها و جامعه از ما مسئولیت می‌خواهد و ما باید به آن‌ها پاسخگو باشیم. خوش‌بختانه در سازمان پژوهش با این بازنگری‌های تشکیلاتی، دیوارهای حوزه‌های طراحی و یادگیری دو مجموعه نظری و فنی و حرفه‌ای و کار دانش برداشته شده‌اند. یعنی الان یازده حوزه تربیتی داریم که در هر کدام از آن‌ها، هم نگاهشان نظری است و هم نگاه فنی و حرفه‌ای و کار دانشی دارند. حتی در حوزه تفکر و حکمت ما به دوستان گفته‌ایم که ما حوزه تفکر و حکمت را اصلاً به‌عنوان یک حوزه دانشی، فلسفی و انتزاعی نمی‌بینیم. ما نه حوزه علمیه هستیم و نه دانشگاه که به‌طور تخصصی سراغ بعد دیسیپلینی و علمی برویم. بلکه مراد این است که تفکر برانگیزاننده برای کار و تلاش، ابتکار و خلاقیت، پرسشگری و نقد و نقدپذیری، در فرد به وجود بیاید. یعنی همان قدر که هنرجوی ما نیاز دارد به نقدپذیری، دانش‌آموز ما هم نیاز دارد و فرقی نمی‌کند. نکته ششم نکته‌ی درستی است. دیوارها را باید برداریم.

مدرسه‌محوری، اگر که به گونه‌ای نظام‌مند و مبتنی بر مبنای درست و هوشمندانه دنبال شود، قطعاً صحیح است و به تدریج باید به این نقطه برسیم. یعنی همه مدارس ما الان چنین توانی ندارند

که چنین اختیاراتی را بپذیرند. واگذاری اختیارات که یک‌طرفه نمی‌شود. طرف مقابل هم باید بتواند از اختیاراتش استفاده و به مسئولیتش عمل کند. بسیاری از مدارس ما اصلاً از این اختیارات فرار می‌کنند، چون مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های مادی و غیرمادی‌اش را هنوز پیدا نکرده‌اند. ما چه کار باید بکنیم؟ باید توانمندسازی کنیم. یعنی در نظام آموزش و پرورش، هم در ستاد آموزش و پرورش (در وزارتخانه و سازمان پژوهش)، هم در ستاد استان، منطقه و شهرستان، باید وظیفه اصلی خودمان را توانمندسازی و ارتقای مهارت، نگرش و دانش مدرسه بدانیم. اگر مدرسه ما، مدرسه‌ای توانمندی و توأم با نشاط باشد، همان مدرسه زندگی که چند سال پیش مطرح شد، واقعاً این مشکلات حل می‌شوند. یعنی ما باید این توان را در رؤسای هنرستان‌هایمان ایجاد کنیم که خودشان با هم مرتبط شوند و زنجیره‌ای با هم تشکیل بدهند. یعنی از دوره ابتدایی، دانش‌آموز ابتدایی ما بیاید از یک هنرستان بازدید کند. الان شاید در دوره دبستان، یکی از جذاب‌ترین جاهایی که دانش‌آموزان ما می‌توانند از آن‌ها بازدید کنند و در اختیار ما هم هست، هنرستان‌ها هستند. دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌توانند از یک هنرستان کار دانش، هنرستان کشاورزی یا هنرستان فنی و حرفه‌ای بازدید کنند. همین آشنا شدن با آن فضا و علاقه‌مند شدن می‌تواند زمینه‌سازی کند.

یکی و دو ماه پیش، بنده در استان گلستان در افتتاح یک پروژه مجتمع آموزشی حضور داشتیم؛ مجتمعی در جوار یک هنرستان که هم دوره ابتدایی و هم دوره اول متوسطه داشت. من به دوستان گفتم این کار بسیار خوبی است که ما در کنار هنرستان مجتمع آموزشی تأسیس کنیم. نه اینکه از اول ابتدایی بگوییم این‌ها باید بروند هنرستان، نه اینکه الزامی باشد، بلکه زمینه‌سازی کنیم. مثلاً بگوییم این دانش‌آموزان برای ورود به هنرستان در اولویت هستند تا متوسطه اولمان به گونه‌ای باشد که بچه‌ها به مرور با هنرستان مأنوس شوند. یعنی خود به خود این علاقه‌مندی ایجاد شود.

همچنین ما باید خیرین را برای تجهیز هنرستان‌ها به میدان بیاوریم که به قدر کافی هنوز در این زمینه‌ها ورود پیدا نکرده‌ایم. به هر حال، آن ضرورت نقدی که مطرح کردید، مطلب درستی است. به نظرم این جهت‌گیری درست و لازمی است. ما در همه زمینه‌های اجتماعی‌مان نیاز به نقد داریم. به

**الان ۱۱ حوزه
تربیتی داریم که در
هر کدام از آن‌ها،
هم نگاهشان نظری
است و هم نگاه
فنی و حرفه‌ای و
کار دانشی دارند**



هم نقد کنید. ما واقعاً نیاز داریم به نقد، نوآوری و نواندیشی دربارهٔ این مسائل و عبور از این عادات کهنه‌ای که بعضی‌هایشان هم هیچ استنادی ندارند. ما تصور می‌کنیم که هر چه که متعلق به گذشته است، حتماً خوب است. واقعاً این جور نیست. اسناد تحولی ما خیلی خوب برای ما شاخص گذاشته‌اند تا بتوانیم در چارچوب آن و با عقلانیت، ایمان، علم و اخلاق ان‌شاءالله، بتوانیم توفیق بیشتری داشته باشیم.

**اسناد تحولی
ما خیلی خوب
برای ما شاخص
گذاشته‌اند تا
بتوانیم در چارچوب
آن و با عقلانیت،
ایمان، علم و اخلاق
ان‌شاءالله، بتوانیم
توفیق بیشتری
داشته باشیم**

عطاران: برای ما همیشه این نگرانی وجود داشت که پیگیری کار نقد در نشریه، کاری سخت و دشواری باشد. همین که جناب عالی فرمودید که وارد این حوزهٔ پرچالش بشوید، برای ما باعث دلگرمی است. با تشکر فراوان و با پوزش از اینکه وقت شما را هم گرفتیم. بزرگواری فرمودید.

دو علم: خیلی متشکرم از شما، موفق باشید. به همهٔ همکاران و مخاطبان جدی مجله، سلام ما را برسانید.

امروزه متأسفانه به خاطر عوامل مختلف، گاهی کم‌توجهی‌ها، فقدان علقه به محتوا، احساس نیاز نکردن به محتوا یا تناسب نداشتن محتوا با نیازها و مواردی از این دست، عدم اقبال به نشریه مشاهده می‌شود. البته مجلات رشد شما، خوب هم توزیع نمی‌شوند. این را هم باید در نظر بگیریم و درباره‌اش باید فکری کرد. خوش‌بختانه دوستان جدیدمان در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی»، به دنبال حل این مشکل هستند.

حسین‌زاده: از اینکه پذیرای ما شدید و راهنمایی فرمودید، تشکر می‌کنیم. ان‌شاءالله بتوانیم همسو با سیاست‌ها، جهت‌گیری‌ها و چارچوب‌هایی که ترسیم فرمودید، حرکت کنیم. اگر هم در مسیر، از ما اشکالی مشاهده فرمودید، حتماً بفرمایید و خودتان هم نقاد کار ما باشید.

دو علم: محبت دارید. البته ما از شما هم همین انتظار را داریم. امیدواریم که برنامه‌های سازمان، دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های تربیت و یادگیری را